

سناریو نگاری به روش GBN

(مطالعه موردی: اقدام نظامی عربستان علیه ایران)

هادی تاجیک^{۱*}

احسان کیانی^۲

سعید ساسانیان^۳

مهدی روحی^۴

چکیده

تغییرات رخ داده در سامانه نظم منطقه‌ای منجر به تشدید رویکردهای تقابلی عربستان با ایران شده است. تا جایی که امکان مواجهه نظامی عربستان با ایران با احتساب حالت‌های محتمل ذیل این نوع از مواجهه، بیشتر از قبل مورد تأمل تحلیل‌گران قرار گرفته است. بر این مبنا، این مقاله با روش سناریونگاری به سبک GBN کوشیده به این پرسش اصلی پاسخ دهد که سناریوهای مواجهه نظامی عربستان در قبال ایران کدام خواهد بود و چه عواملی بر شکل‌گیری این سناریوها مؤثر است. در این روش با تبیین عدم قطعیت‌های بحرانی از بین مهم‌ترین پیشران‌ها، مبنای سناریوها ترسیم می‌گردد. فرضیه مقاله بر این مبنا سامان یافته است که سه گونه تقابل مستقیم، نیابتی و تشدید منازعات فرقه‌ای در ایران می‌تواند از سوی عربستان دنبال شود. بررسی اهمیت و قطعیت پیشران‌ها بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و هم‌چنین بهره‌مندی از نظرهای خبرگان، در چارچوب روش سناریونگاری، نشان داد که آینده جنگ یمن و تاب‌آوری ایران در مقابل فشارهای تحریم اقتصادی آمریکا و متحدانش، در تعیین رویکرد عربستان برای مواجهه نظامی با این کشور مؤثر بوده و می‌تواند مبنای رفتار نظامی آن با ایران تا پایان ریاست‌جمهوری دوره اول ترامپ باشد. بر این مبنا، سناریوی ایجاد ناامنی و تشدید تروریسم در داخل، محتمل‌تر از جنگ مستقیم و نیابتی برآورد شده است.

واژه‌های کلیدی:

عربستان، ایران، سناریو نگاری، روش GBN، جنگ داخلی.

^۱ استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه (گرایش خاورمیانه) دانشگاه امام حسین (ع)

^۳ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه (گرایش خاورمیانه) دانشگاه امام حسین (ع)

^۴ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه (گرایش خاورمیانه) دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

ایران و عربستان، دو قدرت برتر منطقه غرب آسیا از دیرباز اختلاف منافع جدی در حوزه‌های ژئوپلیتیک، اقتصادی، سیاسی و مذهبی داشته‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی، شورای همکاری کشورهای خلیج فارس در ۱۹۸۱ با محوریت عربستان به منظور مقابله بانفوذ و صدور اندیشه‌های انقلابی تشکیل شد. تجاوز عراق به ایران و حمایت مالی و سیاسی این دولت‌ها از صدام نیز بر تقابل جمهوری اسلامی با آن‌ها افزود. تیرگی روابط ایران و عربستان با کشتار جمعی از حجاج ایرانی در تابستان ۱۳۶۶ شدت یافت (رومینا، ۱۳۸۴). هرچند پایان جنگ تحمیلی و مخالفت ایران با تجاوز عراق به کویت، منجر به بهبود روابط ایران و عربستان گردید ولی این به معنای پایان رقابت‌های منطقه‌ای نبود چراکه مسائل اصلی در حوزه‌های پیرامونی تحت نفوذ این دو قدرت مرکزی در زیر نظام‌های غرب آسیا تداوم داشت (علی‌پور، ۱۳۸۹). این تنش‌ها پس از حادثه یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به عراق تشدید شد زیرا آمریکا، سنی‌های افراطی همچون القاعده را دشمن اصلی خود تصور کرده و از شیعیان و اکراد جهت مهندسی جدید قدرت در عراق دعوت به عمل آورد (هادیان، ۱۳۸۵). اما رخدادهای عراق و عدم موفقیت آمریکا در این کشور به همراه حوادث لبنان (جنگ ۳۳ روزه) و فلسطین (جنگ ۲۲ روزه) و تداوم برنامه هسته‌ای ایران، به نزدیکی بیشتر اهداف و منافع آمریکا و عربستان در منطقه انجامید و برآیند اصلی آن در توافق جهت بازدارندگی در مقابل ایران و جلوگیری از گسترش قدرت منطقه‌ای آن تبلور یافت (خادم، ۱۳۸۸). دولت آمریکا به ریاست ترامپ نیز خواستار احیای سلطه پیشینی ایالات متحده در زیر نظام‌هایی چون غرب آسیا و خاور دور است. بنابراین سعی می‌کند ائتلاف عربی-عبری را به‌مثابه قدرت‌های نیابتی از سوی غرب مسلط نماید. با چنین پیشینه‌ای و با نگاهی به وضعیت کنونی منطقه، فهم سناریوهای نظامی محتمل از سوی عربستان علیه ایران جهت طراحی راهبردهای مناسب برای مقابله، امری ضروری است. فرضیه این مقاله، مبتنی بر امکان کنش نظامی عربستان به سه گونه حمله مستقیم، نیابتی و طراحی نبردهای فرقه‌ای در داخل ایران است. داده‌های موردنیاز مقاله به صورت کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از نظرهای خبرگان جمع‌آوری شده و با رویکرد سناریو نگاری به روش GBN سامان یافته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در حوزه روابط ایران و عربستان، تاکنون مقالاتی در حوزه آینده پژوهی منتشر شده است. رستمی بر مبنای رخدادهای سال‌های اخیر منطقه، سناریوهای محتمل در روابط ایران و عربستان را مدنظر قرار داده است. وی با استفاده از روش گلوله برفی و اخذ ۲۵ پرسش‌نامه، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر روابط دو کشور را به ترتیب دفاعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانسته و عنوان نموده روابط به تیرگی می‌گراید (رستمی، ۱۳۹۵). حیدری نیز با استفاده از روش میک‌مک به احصای عوامل مؤثر بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق ده‌ساله پرداخته و در مجموع نگرش دولت‌مردان ایران و کشورهای عربی به یکدیگر، افزایش رقابت‌های تسلیحاتی و نظامی مرتبط با طرح ناتوی عربی، القای ایران هراسی مبتنی بر ایده هلال شیعی، تفاوت‌های ایدئولوژیک و آینده بحرین، عراق، سوریه و یمن را پنج عامل کلیدی در این روابط تلقی کرده است (حیدری، ۱۳۹۵). حقیقی نیز بدون روش خاصی در حوزه آینده پژوهی، صرفاً با بررسی توصیفی و تاریخی، عوامل اساسی مؤثر بر روابط دو کشور را مدنظر قرار داده و آن‌ها را شامل تبلیغ مذهبی متقابل، رقابت‌های منطقه‌ای و منافع اقتصادی عنوان نموده است (حقیقی، ۱۳۹۵). بهروزی‌لک نیز سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان را مورد پژوهش قرار داده و با استفاده از روش سناریو نگاری جیمزدیتور^۱، چهار وضعیت مفروض شامل بهترین حالت، بدترین حالت، بدون تغییر و یا حالت خارج از چارچوب را در نظر گرفته و بدین ترتیب چهار سناریوی همکاری متقابل، جنگ، تیرگی روابط و یا قطع روابط را مدنظر قرار داده و تأثیر رویدادهای متفاوت بر این حالت‌ها را مورد بررسی قرار داده و در نهایت معتقد به تیرگی شدید روابط دو کشور در آینده است (بهروزی‌لک، ۱۳۹۶).

این مقاله‌ها به تخمین چگونگی روابط سیاسی و دیپلماتیک اختصاص دارند. تمایز پژوهش حاضر با موارد پیشین در زمینه محتوایی تمرکز بر اقدام نظامی عربستان نسبت به ایران با توجه به سه موضوع یعنی وقوع نبرد مستقیم نظامی، نبرد نیابتی منطقه‌ای و همچنین تحریک جنگ داخلی می‌باشد. از سوی دیگر از منظر روشی نیز تنها دو مورد از پژوهش‌های مذکور به بررسی پیشران‌های مؤثر پرداخته‌اند. دو پژوهش دیگر، یکی عوامل را دسته‌بندی و به تفکیک هر عامل یک سناریو را عرضه کرده و دیگری منحصر به ارائه چهار وضعیت مفروض بوده است. اما در این پژوهش از رویکرد سناریو نگاری مبتنی بر روش توسعه‌یافته GBN استفاده شده به گونه‌ای که طی فرآیند دستیابی به سناریوها، با رویکردی باز و درعین حال با رویکرد دلفی، پیشران‌ها و اهمیت و

^۱. James Dator

قطعیت آن‌ها را با نخبگان امر در میان گذاشته و درنهایت، مبنای ترسیم سناریوها پیریزی شده است.

روش‌شناسی پژوهش

سناریو نگاری از جمله روش‌های مطرح و پُرکاربرد در آینده‌پژوهی است که پیتز شوارتز^۱ آن را ابزاری برای نظم بخشیدن به درک از آینده‌های بدیل تعریف می‌کند (شوارتز، ۱۳۸۸). یک سناریوی مناسب می‌بایست موجه و معقول باشد، سازگاری درونی داشته باشد، روابط علی را توصیف کند، در تصمیم‌گیری‌ها به کار آید، آینده محتملش به گذشته مرتبط باشد، عنوانی مناسب داشته باشد و تمایز آن با دیگر سناریوهای محتمل مشخص باشد (نایب، ۱۳۹۳). پژوهش‌گران بر دو مفهوم عوامل و عدم قطعیت‌های کلیدی در ساخت سناریو تأکید دارند (چرماک، ۱۳۹۳). دو مفهومی که در روش ابداعی شوارتز، بسیار کلیدی هستند. روش وی که ابتدا در دهه ۱۹۷۰ برای مشاوره به شرکت نفتی شِل استفاده شد به «شبکه جهانی کسب‌وکار^۲» شهرت یافت که به اختصار GBN خوانده می‌شود. شوارتز مراحل سناریو نگاری در این روش را چنین بر می‌شمارد (شوارتز، ۱۳۸۸):

۱- شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی: تعریف موضوع پروژه یا اهداف اصلی سازمان که اثرهای بلندمدتی دارند. هرچقدر گستره تصمیم یا موضوع مورد بحث محدودتر باشد، تدوین سناریوها آسان‌تر خواهد بود.

۲- شناسایی عوامل کلیدی: فهرستی از عواملی که بیشترین تأثیر مستقیم را بر هدف اصلی دارند، احصا می‌شود. هدف از این گام، فهم تحلیلی از موضوع سناریو نگاری است.

۳- شناسایی پیشران‌های محیطی: تهیه فهرست کلان‌روندهای هدایت‌کننده در محیط داخلی و خارجی که بر عوامل کلیدی شناخته‌شده در مرحله قبل مؤثر هستند. این نیروها به عوامل کلیدی شکل بخشیده و وضعیت آن‌ها را مشخص می‌کند. این کلان‌روندها و پیشران‌ها می‌توانند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناوری و یا زیست‌محیطی باشند.

۴- طبقه‌بندی روندهای عوامل کلیدی بر مبنای اهمیت و قطعیت: در این مرحله روندهای پیشران بر اساس دو معیار تقسیم‌بندی می‌شوند؛ درجه اهمیت و میزان عدم قطعیت. نکته اصلی در این گام، شناسایی تعداد محدودی از پیشران‌های مؤثر بر عوامل کلیدی است که

^۱. Peter Schwartz

^۲. Global Business Network

بااهمیت‌تر از دیگر موارد بوده و درعین حال با بیشترین عدم قطعیت همراه باشند. در این راستا بهتر آن است که در مرحله قبل پس از تهیه فهرست اولیه پیشران‌ها، به ترکیب منطقی آن‌ها همت گماشته شود تا عناصری کلان‌نگر و درعین حال سازگار، شناسایی شوند.

۵- منطبق‌دهی به سناریوها: نتیجه مرحله پیشین، محورهایی است که سناریوهای نهایی بر اساس آن‌ها تعیین و متمایز می‌شوند. زیرا هدف نهایی نیل به سناریوهایی است که تفاوت‌های موجود بین آن‌ها قابل توجه بوده و آینده‌های گوناگونی را رقم بزنند. در این گام، احتمال‌های متفاوت هر یک از کلان‌روندهای مؤثر بر عوامل کلیدی مرحله پیشین که عدم قطعیت و اهمیت بیشتری دارند، تبیین می‌گردد و خط اصلی تفاوت سناریوها مشخص می‌شود.

۶- داستان‌واره‌ها: سپس با توجه به روندپژوهی پیشین و جزئیات مرتبط با موضوع اصلی، داستان‌واره یا سناریوهای اصلی به تصویر کشیده می‌شوند. هر یک از عوامل کلیدی و کلان‌روندهای اصلی در ترسیم سناریوها می‌بایست موردتوجه قرار گیرند. هر سناریو باید منطق ساختاری و مفروض‌های کلیدی را نشان داده و مشخص گردد در هر یک کدام حالت از حالت‌های مرحله قبل رخ می‌دهد.

۷- مضامین: بعد از تبیین سناریوها با رجوع به موضوع و هدف اصلی پژوهش، مطلوبیت هر یک از سناریوها با توجه به ایده اصلی پژوهش، موردبررسی قرار می‌گیرد. تصمیم‌های احتمالی سازمان یا دولت موردنظر در هر یک از سناریوها تحلیل می‌شود. اگر تصمیم یا مجموعه تصمیم‌هایی تنها در یک سناریو موردتوجه قرار گیرند، ریسک آن‌ها افزایش می‌یابد.

۸- شاخص‌های سناریوها: در مرحله آخر، علائم راهنمایی تعیین می‌شود که به‌واسطه نظارت بر روند تحقق آن‌ها بتوان نزدیک شدن به یک سناریو را تشخیص داد. در این گام می‌بایست به این پرسش پاسخ داده شود که کدام عناصر نیازمند پایش هستند و چه تهدیدها یا فرصت‌هایی در هر یک سناریوها نهفته است. درنهایت با نام‌گذاری مناسب و نگارش متناسب با بافت سازمانی، سناریوها تدوین و ارائه می‌شود.

تدوین سناریوهای نظامی عربستان علیه ایران

در تدوین هر یک از بخش‌های زیر، از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده و هم‌چنین بهره‌گیری از نظرات ۹ پژوهشگر مسائل منطقه غرب آسیا به تفکیک ۴ دانشجوی دکترای مطالعات منطقه (گرایش غرب آسیا)، ۴ کارشناس ارشد مسائل منطقه و ۱ کارشناس ارشد علوم سیاسی بهره‌گیری شده است.

۱. تدقیق موضوع

روابط متشنج ایران و عربستان طی دهه اخیر به خصوص پس از بحران سوریه، مؤلفه بسیار مهمی در حوزه امنیت ملی ایران است. بنابراین پژوهش حاضر در راستای بررسی احتمال اقدام نظامی دولت عربستان علیه ایران، اهمیت بسیاری در راهبردهای آتی نظامی، دیپلماتیک و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. در بررسی این مسأله سه نوع کنش نظامی از سوی عربستان علیه ایران قابل تصور است:

- حمله نظامی مستقیم عربستان به ایران
- بروز جنگ نیابتی میان متحدان دو بازیگر یا نبرد وابستگان عربستان علیه ایران
- تحریک اقوام یا پیروان مذاهب در داخل به اقدام مسلحانه.

۲. تعیین عوامل

عواملی که مستقیماً بر این سه طرح سناریویی اثر می‌گذارند به شرح زیر است:

جدول (۱) عوامل کلیدی مؤثر بر اقدام نظامی عربستان علیه ایران

روابط راهبردی خارجی عربستان	توانمندی اقتصادی عربستان سعودی	توانمندی نظامی عربستان سعودی
وضعیت سیاسی داخلی عربستان	گروه‌های تروریستی ایرانی مورد حمایت عربستان	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت عربستان
روابط راهبردی خارجی ایران	توانمندی اقتصادی ایران	توانمندی نظامی ایران
	وضعیت سیاسی داخلی ایران	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت ایران

۳. پیشران‌های عوامل

سپس پیشران‌های مؤثر بر هر یک از عوامل کلیدی مرحله پیشین را برمی‌شماریم:

جدول (۲) پیشران‌های عوامل کلیدی مرتبط با عربستان

روابط راهبردی خارجی عربستان	توانمندی اقتصادی عربستان	توانمندی نظامی عربستان
روابط با رژیم صهیونیستی	قیمت نفت	کمیت نظامیان
روابط با ایالات متحده آمریکا	امنیت انرژی جهت صادرات نفت	تجارب جنگی، راهبردهای هجومی و دفاعی
روابط با پاکستان	سرمایه‌گذاری خارجی	توان موشکی
روابط با ترکیه	درآمد حج و توریسم	توان پدافند هوایی

روابط با شورای همکاری خلیج فارس	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت عربستان	تعداد و کیفیت جنگنده‌ها
روابط با مصر	سپاه صحابه پاکستان	توان دریایی
روابط با عراق	داعش در لبنان، افغانستان، عراق، یمن، سوریه و غزه	بودجه خریدهای تسلیحاتی
روابط با سازمان کنفرانس اسلامی	القاعده در لبنان، افغانستان، عراق، یمن و سوریه	طول خط ساحلی
روابط با اقلیم کردستان عراق	پ.ک.ک در عراق و ترکیه	توزیع مراکز حکومتی
روابط با بریتانیا و فرانسه	طالبان (جناح واگرا از ایران) در افغانستان و پاکستان	عمق راهبردی مراکز سیاسی و اقتصادی
روابط با روسیه	گروهک‌های متصل به حزب منحله بعث عراق	جنگ یمن و سوریه
روابط با چین	جیش الاسلام	گروه‌های تروریستی ایرانی مورد حمایت عربستان
توان رسانه‌ای شبکه‌های العربیه، الجزیره و کلمه	گروه‌های سلفی در یمن	گروهک منافقین
وضعیت سیاسی داخلی عربستان		گروهک خلق عرب
انسجام شیعیان شرقی و جنوبی عربستان	رقابت میان جناح‌های موجود در آل سعود (سدیری‌ها با غیرسدیری‌ها/ بن‌نایف با بن‌سلمان)	جیش العدل و جندالله
موضع آل شیخ و علمای وهابی	موفقیت بن سلمان در پیشبرد اصلاحات اجتماعی	کومله، دموکرات، پژاک

جدول (۳) پیشران‌های عوامل کلیدی مرتبط با ایران

روابط راهبردی خارجی ایران	توانمندی اقتصادی ایران	توانمندی نظامی ایران
روابط با پاکستان	قیمت نفت	کمیت نظامیان
روابط با ترکیه	امنیت انتقال انرژی	تجارب جنگی، راهبردهای هجومی و دفاعی
روابط با عراق	ارزش ریال و تغییر قیمت ارز و سکه	توان موشکی
روابط با شورای همکاری خلیج فارس (به‌خصوص قطر، کویت و عمان)	تحریم نفتی و بانکی	توان پدافند هوایی
روابط با اتحادیه اروپا	میزان بیکاری و تورم در سیستان، کردستان و خوزستان	تعداد و کیفیت جنگنده‌ها

روابط با آمریکا	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت ایران	توان دریایی
روابط با سازمان کنفرانس اسلامی	حزب‌الله	طول خط ساحلی
روابط با روسیه	انصارالله	توزیع مراکز حکومتی
روابط با چین	حشدالشعبی	عمق راهبردی مرکز سیاسی و اقتصادی
توان رسانه‌ای شبکه‌های المنار و ولایت	حماس	جنگ یمن و سوریه
وضعیت سیاسی داخلی ایران		
موضع علمای اهل سنت	مواضع مراجع تقلید	انسجام دولت و سپاه
میزان هم‌گرایی هویت‌های قومی با هویت ملی		مسأله جانشینی

سپس پیش از ورود به مرحله بعدی سناریو نگاری، ابتدا پیشران‌ها مانند مراحل قبل طی رفت‌وبرگشت میان نخبگان درروش دلفی، تجمیع و یا حذف می‌شوند به‌نحوی که پیشران‌های اصلی به ترتیب زیر درمی‌آید:

جدول (۴) عوامل کلیدی به تفکیک پیشران‌های مؤثر

پیشران	عامل کلیدی	پیشران	عامل کلیدی
کمیت و کیفیت نیروهای نظامی	توان نظامی ایران	کمیت و کیفیت نیروهای نظامی	توان نظامی عربستان
کمیت و کیفیت تجهیزات نظامی		کمیت و کیفیت تجهیزات نظامی	
قیمت نفت و امنیت صدور آن	توان اقتصادی ایران	قیمت نفت و امنیت صدور آن	توان اقتصادی عربستان
تحریم‌های بانکی و نفتی		رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی	کیفیت روابط خارجی عربستان
شاخص فلاکت(مجموع دو شاخص بیکاری و تورم) در استان‌های کردستان، سیستان و خوزستان	رابطه با چین و روسیه		
رابطه با چین و روسیه	کیفیت روابط خارجی ایران	رابطه با همسایگان ایران	
رابطه با اتحادیه اروپا		رابطه با شورای همکاری و اتحادیه عرب	
رابطه با همسایگان		توان گروه‌های تروریستی در کشورهای همسایه ایران	

رابطه با همسایگان عربستان		توان گروه‌های تروریستی در کشورهای هم‌سو ولی غیر همسایه	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت عربستان
توان گروه‌های مسلح در کشورهای همسایه عربستان	گروه‌های مسلح منطقه‌ای مورد حمایت ایران	گروهک‌های قومی و مذهبی	توان گروه‌های مسلح ایرانی مورد حمایت عربستان
توان گروه‌های مسلح در کشورهای غیر همسایه عربستان		گروهک مجاهدین حلق	
انسجام دولت و سپاه	وضعیت سیاسی ایران	رقابت درونی آل سعود و رقابت با علمای وهابی	وضعیت سیاسی عربستان
مسأله جانشینی		رویکرد و انسجام شیعیان جنوب و شرق عربستان	

۴. تعیین اهمیت و قطعیت

سپس از نخبگان درخواست می‌شود اهمیت پیشران‌های فوق را با تخصیص درجه‌ای از یک تا ۱۰ تعیین نمایند. بدین ترتیب که از یک تا ۳ کم‌اهمیت، از ۴ تا ۶ دارای اهمیت نسبی و از ۷ تا ۱۰ اهمیت بالا می‌یابند. پس از اخذ نمره از نخبگان، به بررسی قطعیت یا عدم قطعیت پیشران‌های با اهمیت بالا می‌پردازیم تا با برشماری عدم قطعیت‌ها، حالت‌های مختلف سناریوهای محتمل ترسیم شود. جدول زیر میانگین نمره‌های نخبگان به اهمیت پیشران‌های مذکور است.

جدول (۵) اهمیت پیشران‌های مؤثر

درجه اهمیت	نیروهای پیشران	درجه اهمیت	نیروهای پیشران
۸	گروهک‌های قومی و مذهبی مورد حمایت عربستان	۹	رابطه عربستان با آمریکا و رژیم صهیونیستی
۸	شاخص فلاکت (مجموع دو شاخص بیکاری و تورم) در استان‌های کردستان، سیستان و خوزستان	۸	تحریم‌های بانکی و نفتی علیه ایران
۷,۳	توان گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران در کشورهای همسایه عربستان	۷,۵	کمیت و کیفیت قدرت نظامی عربستان
۷	رابطه ایران با همسایگان عربستان	۷,۳	رابطه عربستان با همسایگان ایران

۷	کمیت و کیفیت قدرت نظامی ایران	۷	رابطه ایران با چین و روسیه
۶,۶	قیمت نفت عربستان و امنیت صدور آن	۷	گروهک مجاهدین خلق
۶,۶	رابطه عربستان با چین و روسیه	۶,۶	قیمت نفت ایران و امنیت صدور آن
۶,۵	انسجام دولت و سپاه	۶,۶	توان گروه‌های تروریستی در کشورهای همسایه ایران
۶	توان گروه‌های مسلح موردحمایت ایران در کشورهای غیر همسایه عربستان	۶,۵	مسأله جانشینی
۶	رابطه عربستان با شورای همکاری و اتحادیه عرب	۶	رابطه ایران با همسایگان
۵,۵	رقابت درونی آل سعود و رقابت با علمای وهابی	۵,۵	رابطه ایران با اتحادیه اروپا
۵,۳	توان گروه‌های تروریستی در کشورهای هم‌سوی غیر همسایه	۵,۵	رویکرد و انسجام شیعیان جنوب و شرق عربستان

سپس در ادامه این مرحله، با بررسی پیشران‌های بااهمیت بالا (نمرات بین ۷ تا ۱۰)، وضعیت آن‌ها تا پایان دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ ارزیابی می‌شود.

کمیت و کیفیت قدرت نظامی عربستان

عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ یعنی آخرین سال پادشاهی عبدالله بن عبدالعزیز، با حدود ۷ میلیارد دلار خرید سلاح، بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات نظامی در جهان بوده است (صالحی‌خواه، ۱۳۹۵). این در حالی است که بر اساس بیانییه کاخ سفید، در سفر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به ریاض در سال ۲۰۱۷، دو قرارداد خرید تسلیحاتی امضا شده است، یکی به میزان ۱۱۰ میلیارد دلار که در کوتاه‌مدت عملیاتی خواهد شد و دیگری به میزان ۳۵۰ میلیارد دلار که طی ده سال محقق می‌گردد (Abc News, May 20, 2017). اگرچه چنین قراردادهایی تا رسیدن به مرحله اجرا، دشواری‌های خاص خود را دارا هستند اما اراده عربستان برای چنین خرید بی‌سابقه‌ای امری قابل تأمل است. بر اساس آنچه موسسه گلوبال فایرپور^۱ در گزارش سالانه خود برای سال ۲۰۱۸ منتشر کرده، عربستان جایگاه ۲۶ را در میان قدرت‌های

^۱. Global Fire Power

نظامی در اختیار دارد (Global Fire Power, 2018). در خصوص کمیت نیروهای نظامی عربستان آنچه قطعی است، کمبود نیروی انسانی جهت حضور در جنگ‌های احتمالی است. عربستان عمدتاً بر تسلیحات و تجهیزات نظامی متمرکز شده است. جمعیت کم از یک سو و در اختیار نداشتن یک ارتش کلاسیک، موجب شده تا عربستان نیاز خود به نیروی نظامی را از طریق کشورهای دیگر برطرف سازد. بارزترین مثال در این خصوص، جنگ یمن می‌باشد. اگرچه تلاش عربستان برای کسب همراهی نیروی زمینی مصر و پاکستان ناکام ماند اما توانست با استفاده از توان مالی خود، از نیروی انسانی سودانی در جنگ یمن بهره ببرد. در مجموع بعید به نظر می‌رسد که در کمیت و کیفیت نیروهای نظامی عربستان تغییری اساسی ایجاد شود. البته امکان دسترسی به سلاح هسته‌ای که بارها در رسانه‌ها ذکر شده، اگرچه می‌تواند یک شگفتی‌ساز در توان نظامی عربستان باشد اما تاکنون، نشانه‌ای از همراهی آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ با عربستان در این خصوص مشاهده نشده و خودداری ایالات متحده از ایجاد رقابت هسته‌ای در آسیای غربی از یک سو و زمان‌بر بودن سبب می‌شود دستیابی به این توانمندی در آینده کوتاه‌مدت، نامحتمل باشد.

رابطه عربستان با آمریکا و رژیم صهیونیستی

اگرچه عربستان جزء متحدان راهبردی غیر ناتوی آمریکا محسوب می‌شود اما روابط ریاض و واشنگتن در سال‌های پایانی ریاست جمهوری باراک اوباما دچار اختلاف نظرهایی شده بود. علاوه بر برخی توقعات عربستان از آمریکا برای ایفای نقش بیشتر در بحران سوریه، باید پرونده هسته‌ای ایران و رویکرد اوباما برای پایان دادن به آن را یکی از مهم‌ترین اختلاف‌نظرهای دو کشور دانست (Pasha, 2016). برجام از منظر نخبگان سیاسی عربستان منجر به خروج ایران از انزوا شده، به احیای اعتبار بین‌المللی ایران انجامیده و بر این اساس، عربستان آن را ضربه‌ای به جایگاه انحصاری خود در منطقه به‌عنوان متحد اصلی ایالات متحده تفسیر می‌کند (Al-Rasheed, 2015). باروی کار آمدن سلمان، این رویکرد سعودی تشدید شد و اختلاف نظر با آمریکا بیشتر شد. وقتی در ژانویه ۲۰۱۷ دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا در کاخ سفید مستقر شد، تلاش‌های ریاض برای رفع این اختلاف‌ها و توسعه روابط راهبردی و تحکیم هر چه بیشتر آن، با شدت آغاز شد تا جایی که در نهایت ترامپ اولین مقصد سفر خارجی خود را عربستان قرار داد. به نظر می‌رسد هم‌گرایی این دو بازیگر در تقابل با ایران، همچنان رو به افزایش خواهد بود. ضدیت با ایران وجه مشترک عربستان و اسرائیل نیز تلقی می‌شود. منطق «دشمن،

دشمن من، دوست من است» (Friedman, 2013) موجب شد تا ریاض و تل‌آویو با جدیت بیشتری به توسعه روابط با یکدیگر بپردازند. مقام‌های صهیونیست نیز با فهم نیاز راهبردی سلمان و پسرش برای مواجهه با ایران، برای تسریع این هم‌گرایی می‌کوشند.

روابط عربستان با همسایگان ایران

✓ ترکیه

نقاط اشتراک عربستان و ترکیه را می‌توان در جمعیت اهل سنت و حجم مبادله‌های اقتصادی و نقاط اختلاف در تقابل نگرش اخوانی با اندیشه وهابیت است. ترکیه در جریان شورش‌های عربی در سال ۲۰۱۱ به حمایت از اخوان‌المسلمین مصر و النهضه تونس پرداخت ولی عربستان در مخالفت با این دو گام برداشت. در صورت تشدید تنش میان ایران و عربستان، ترکیه به دلیل نیازمندی‌های انرژی به‌خصوص تنوع‌بخشی به منابع گاز و حجم روابط تجاری با ایران رویکردی میانجی‌گری را در خواهد گرفت. علاوه بر رویکرد دیپلماتیک ترکیه، نزدیکی ترکیه به عربستان به تخریب وجهه دموکراتیک و پیشرفته آن منجر خواهد شد (نورعلی‌وند، ۱۳۹۶). بنابراین ترکیه ضمن عدم تمایل به منازعه نظامی در منطقه که ریسک سرمایه‌گذاری‌های خارجی را افزایش می‌دهد، با توجه به تداوم نشست‌های آستانه جهت راهبرد سیاسی برای پایان جنگ داخلی سوریه، ترکیه تمایلی به همراهی با دولت سعودی در یک نبرد نیابتی علیه ایران نخواهد داشت.

✓ پاکستان

جمعیت وهابی پاکستان و کمک‌های مالی دولت سعودی از مهم‌ترین عوامل پیوند این دو کشور است (احمدی، ۱۳۹۵). دخالت ارتش در سیاست، فضایی مناسب برای رشد بنیادگرایی پدید آورده و تقویت بنیادگرایان نیز امنیت را با چالش روبرو کرده و دخالت ارتش را الزامی می‌سازد (دهشیار، ۱۳۸۶). مدارس مذهبی پاکستان از دوره ضیاءالحق تحت حمایت مالی عربستان اداره می‌شود (رفیع، ۱۳۹۴). با این وجود، پاکستان به دلیل احساس تهدید از هند، تمایل به تقابل با ایران نخواهد داشت. توسعه روابط ایران و هندوستان، می‌تواند پاکستان را از منظر امنیتی تحت فشار قرار دهد. در جریان تجاوز عربستان به یمن پارلمان پاکستان به همراهی این کشور با ائتلاف تحت رهبری سعودی، رأی منفی داد. فضای عمومی پاکستان نیز به دلیل عدم شباهت زبانی و سابقه حضور ادیبان و روشنفکران مذهبی، متفاوت از فضای اجتماعی کشورهای حاشیه خلیج فارس است. بنابراین شاهد حمایت پاکستان از حمله عربستان به ایران یا ایجاد یک نبرد

نیابتی دیگر نخواهیم بود ولی ناامنی گروه‌های تروریستی در منطقه بلوچستان و ایجاد ناامنی عوامل وابسته به حاکمیت عربستان، می‌بایست مدنظر قرار بگیرد.

✓ افغانستان

فقدان اقتدار مرکزی و حضور مؤثر گروه‌های افراطی در کنار ترانزیت مواد مخدر عوامل ناآرامی مرزهای شرقی ایران است (آرم، ۱۳۹۵). حمایت عربستان از نیروهای جهادی افغان علیه شوروی و حمایت مالی از طالبان از عوامل نفوذ تاریخی این کشور است (سجادی، ۱۳۷۷). با این حال طالبان افغانستان متفاوت از طالبان پاکستان و دارای روابط مساعدتری با ایران است که از جمله می‌توان به عدم تقبل مسئولیت شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف و عذرخواهی بابت این حادثه اشاره کرد و ایران نیز تمایل دارد این گروه به مانع تقویت داعش در افغانستان بدل گردد. زیرا تمایل سعودی به ناامنی مرزهای شرقی ایران با بهره‌مندی از بازماندگان داعش است. دولت افغانستان نیز به دلیل نیازمندی به حفظ امنیت داخلی و سازندگی از یک‌سو و حضور نیروهای هم‌سو مانند عبدالله عبدالله از سوی دیگر، سعی در سکوت یا بی‌طرفی فعال در منازعه ایران و عربستان خواهد داشت.

✓ عراق

رویکرد اخیر دولت عراق، نزدیکی به عربستان از دو منظر حفظ امنیت داخلی و جذب کمک‌های مالی است. با این حال به دلیل حضور جمعیت گسترده شیعیان، مرجعیت واحد آیت‌الله سیستانی و گروه‌های سیاسی و نظامی تحت حمایت ایران مانند مجلس اعلا، بدر و حشدالشعبی موضعی هم‌سوی حمله یا حتی نبرد نیابتی عربستان علیه ایران ابراز نخواهد کرد. گروه‌های شیعی دورتر از ایران مانند جریان صدر یا حکمت نیز تشدید تقابل دو کشور را مانع تقویت موضع دیپلماتیک خود خواهند دانست. ولی گروه‌های سنی و بازماندگان بعث بی‌میل به این وضعیت نخواهند بود که با توجه به تقویت نیروهای شبه‌نظامی شیعی در جریان مقابله با داعش، قدرت مانور نظامی و امنیتی بالایی نخواهند داشت. اقلیم کردستان نیز با وجود حضور گروهک‌های ضدانقلاب‌گردی، به دلیل مبادله اقتصادی با ایران و احتمال تشجیع احساسات ناسیونالیستی اقوام کرد داخلی نسبت به همراهی آنان با اعراب، هم‌سوئی شدیدی با عربستان ندارد ولی نمی‌تواند یا نخواهد خواست که بااراده سیاسی و نظامی ایران جهت سرکوب گروهک‌های تروریستی‌گرد همراهی کند و این به عربستان امکان سوءاستفاده از اقلیم جهت تقویت این گروهک‌ها را می‌دهد.

توان عملیاتی گروهک‌های قومی و مذهبی

حزب دموکرات کردستان پس از پیروزی انقلاب با شعار خودمختاری در کنار گروه کومله که به‌تازگی پس از پیروزی انقلاب توسط تعدادی از جوانان مائوئیست گرد تشکیل شده بود، حملات نظامی به نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری را آغاز کردند (بسطامی، ۱۳۸۴). گروه پژاک نیز فروردین ۱۳۸۳ به‌عنوان شاخه‌ای تحت هدایت پ.ک.ک تأسیس و به اقدام‌های تروریستی علیه جمهوری اسلامی پرداخت. این گروه از حمایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز بهره‌مند بوده است (پورموسوی، ۱۳۸۹). جدول زیر، تعداد حمله‌های تروریستی این سه گروه به تفکیک سال‌های ۱۳۹۳ تا تابستان ۱۳۹۷ را بر مبنای آنچه در رسانه‌های عمومی انتشار یافته، نشان می‌دهد. گروهک‌های بلوچ از دیگر گروه‌های تروریستی مورد حمایت عربستان سعودی هستند. گروه جنرالده در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد که بازداشت و اعدام عبدالملک ریگی رهبری این گروه افول آن را به دنبال داشت. در سال ۱۳۹۰ گروهک حرکه‌الانصار با انشعاب از جنرالده اعلام موجودیت کرد حرکت مشخصی از خود بروز نداد و در نهایت گروه جیش‌العدل به رهبری صلاح‌الدین فاروقی توانست جایگزین جنرالده گردد (اکرمیان، ۱۳۹۴). این گروه از تأسیس تاکنون طی حدود ۱۰ عملیات تروریستی بیش از ۴۰ تن از مرزبانان و نیروهای نظامی و انتظامی را به شهادت رسانده است. باین‌حال تجربه نشان می‌دهد آنان فاقد توان ورود به مناطق شهری بوده و عمدتاً در مناطق مرزی درگیر شده‌اند و عمق نفوذ بالایی ندارند. گروهک‌های الاحوازیه، خلق عرب و حرکه‌التحریر نیز از جمله جریان‌های پان‌عربیستی هستند که در خوزستان فعالیت‌های خراب‌کارانه و تبلیغاتی انجام می‌دهند ولی توان عملیاتی جدی ندارند.

جدول (۶) تعداد عملیات‌های تروریستی گروهک‌های گردی بر مبنای انتشار عمومی به تفکیک زمان و مکان

سال	کومله	دموکرات	پژاک
۱۳۹۳	۰	شهریور (سردشت)	تیر (ثلاث‌باباجانی)
۱۳۹۴	۰	مهر (مرز کردستان)	شهریور (جوانرود)
۱۳۹۵	۰	خرداد (اشنویه) - تیر (مهاباد) - شهریور (سردشت) - مهر (سردشت)	خرداد (سردشت) - مهر (مریوان)
۱۳۹۶	تیر (مرز کردستان)	مرداد (پیرانشهر) - دی (پیرانشهر)	خرداد (ارومیه) - تیر (پلدشت) - آبان (چالدران) - آذر (ماکو)
۱۳۹۷	۰	خرداد (اشنویه) - تیر (پیرانشهر، اشنویه، نودشه)	تیر (مریوان)

توان عملیاتی گروهک مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق مهم‌ترین اپوزیسیون مسلح و برانداز جمهوری اسلامی است که با بیشترین عملیات، بیشترین ضربه‌ها را از حیث حذف نیروهای انسانی خاص و مؤثر و هم‌چنین مردم عادی به جمهوری اسلامی ایران وارد کرده است. باین‌حال ترورهای خاص این گروهک از دهه ۱۳۸۰ به این‌سو فروکش کرده و مهم‌ترین رفتارهای براندازانه آن‌ها به حضور در فتنه ۸۸ و آشوب‌های ۱۳۹۶ بازمی‌گردد. اگرچه در خصوص روابط عربستان و این سازمان از سال‌های جنگ تحمیلی، گزارش‌هایی وجود دارد اما علنی شدن این روابط به حضور ترکی الفیصل، مسئول اسبق دستگاه اطلاعات عربستان در نشست سالانه این گروهک در سال ۱۳۹۵ بازمی‌گردد. ترکی الفیصل در این نشست به‌صراحت خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی ایران شد (سی‌ان‌ان بالعربیة، ۹ جولای ۲۰۱۶). با توجه به راهبردهای کلان آمریکا در تقابل با ایران و ضدیت ریاض با ایران، به نظر می‌رسد روابط منافقین و عربستان در مسیر تحکیم بیشتر قرار دارد و باگذشت زمان و تلاش بیشتر واشنگتن برای ایجاد آشوب در ایران، بر استحکام روابط این دو افزوده خواهد شد.

تحریم‌های بانکی و نفتی علیه ایران

فضای روانی خروج آمریکا از برجام، سبب افزایش نرخ دلار شد. عربستان سعودی نیز وعده داده کاهش عرضه نفت ایران پس از اعمال تحریم‌ها را جبران نماید. گرچه برخی این ادعای سعودی را در حد اهداف تبلیغاتی دانسته‌اند چراکه با قطع ورود نفت لیبی به بازار عربستان هیچ‌گاه نتوانست کسری یک‌میلیون بشکه‌ای نفت لیبی را جبران نماید (الوقت، ۱۳۹۷). در صورت اثرگذاری تحریم‌ها بر وضعیت اجتماعی و تشدید تنش‌های داخلی، عربستان تداوم این فشارها را بر تجاوز نظامی یا آغاز یک نبرد نیابتی دیگر ترجیح خواهد داد. بنابراین حد بالای احتمال اقدام نظامی عربستان در این شرایط، حمایت از قاچاق اسلحه و مهمات انفجاری جهت خرابکاری، ترور غیرنظامیان معترض یا نیروهای نظامی و امنیتی و تخطئه امنیت داخلی جهت کاهش سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود. از سوی دیگر عدم قطعیت این مسأله، عدم همراهی واقعی و مؤثر اتحادیه اروپا، چین و روسیه با تحریم‌های ارزی و نفتی و تداوم ارتباط بانکی در کنار تضمین خرید نفت از ایران خواهد بود.

شاخص بیکاری و تورم در استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان

شاخص بیکاری و تورم در سه استان کردستان، خوزستان و سیستان در بهار سال ۱۳۹۷ به گزارش مرکز آمار به این شرح است:

جدول (۷) شاخص‌های بیکاری و تورم

نرخ تورم	نرخ بیکاری	استان
۷/۳	۱۳	کردستان
۶/۴	۱۸/۶	سیستان و بلوچستان
۷/۲	۱۵/۵	خوزستان
۶/۳		کمترین نرخ تورم - بوشهر
۱۰/۹		بیشترین نرخ تورم - کرمانشاه
۷/۷		کمترین نرخ بیکاری - اردبیل
۳۲/۸		بیشترین نرخ بیکاری - چهارمحال و بختیاری

با توجه به عدم تفاوت جدی میان نرخ تورم و بیکاری استان‌های مذکور با سطح عمومی این متغیرها می‌توان گفت بیشتر جنگ روانی و رسانه‌ای نسبت به محرومیت نسبی است که در افزایش انتظار مردم نسبت به واقعیت‌های موجود و تحریک پیروان اقوام و مذاهب در این استان‌ها مؤثر خواهد بود تا با تشدید ناراضی‌های عمومی به تسلیح و ترغیب به شورش منجر گردد (گر، ۱۳۷۷). در صورتی که فضای عمومی کشور مانند دی‌ماه ۱۳۹۶ به سوی شورش سوق یابد، می‌توان احتمال بروز آشوب را در این استان‌ها نیز متصور بود. هم‌چنین دولت سعودی از این جنگ روانی برای ترغیب افشار محروم جهت پیوستن به گروه‌های رادیکال و مسلح می‌تواند بهره‌مند شود. بنابراین امکان ایجاد درگیری‌ها و خرابکاری‌های تروریستی داخلی موکول به وضعیت عمومی کشور و امکان تهییج نیروهای معترض علیه ساختار سیاسی نظام است.

کمیت و کیفیت قدرت نظامی ایران

بر اساس آنچه موسسه گلوبال فایرپور در گزارش سالانه خود برای سال ۲۰۱۸ منتشر کرده، ایران به لحاظ نظامی، حائز رتبه ۱۳ می‌باشد در حالی که چنانچه گفته شد عربستان رتبه ۲۶ رادار است (Global Fire Power, 2018). ایران طی سال‌های پس از جنگ تحمیلی عراق بعثی، کوشیده است تا در حوزه دفاعی به یک خودکفایی نسبی دست یابد و این برخلاف خریدهای تسلیحاتی گسترده‌ای است که عربستان سعودی در دستور کار قرار داده است، با این‌وجود نمی‌توان برتری تسلیحاتی عربستان به خصوص در حوزه هوایی را انکار کرد. نکته قابل توجه دیگر، نیروی انسانی نظامی در ایران است. جمعیت حدود سه برابری ایران نسبت به عربستان و سابقه هشت سال جنگ تحمیلی، عملاً کمیت و کیفیت نیروی نظامی ایران را در سطح قابل قبولی قرار داده است. با توجه به حوادث محیط پیرامونی ایران و تهدیدهای متداوم در این محیط، به نظر می‌رسد روند رو به رشد ایران در حوزه نظامی همچنان ادامه داشته باشد.

روابط ایران با همسایگان عربستان

✓ اردن

با آغاز جنگ تحمیلی، حمایت ملک حسین از اخوان المسلمین سوریه و اختلاف شدید با دولت حافظ اسد، نیاز اقتصادی اردن به کمک‌های مالی عراق درازای استفاده از بندر عقبه، سبب حمایت اردن از عراق گردید (حسینی، ۱۳۸۱). راهبرد اساسی اردن، کسب کمک‌های اقتصادی خارجی از سعودی و دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس و ملاحظه روابط سیاسی با آمریکا می‌باشد. نقش اردن در تقویت گروه‌های تروریستی معارض دولت سوریه و حمایت از تجاوز عربستان به یمن به فراخوانی سفیر اردن از تهران انجامید (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۶). آینده این روابط در افق ریاست‌جمهوری ترامپ و حکومت بن‌سلمان میلادی را روابط تنش آلود است. بنابراین در صورت اقدام نظامی عربستان علیه تهران، قطعاً اردن از دولت سعودی حمایت کرده و با توجه به مرز راهبردی با سوریه، گروه‌های نیابتی مورد حمایت عربستان در این موقعیت ژئوپلیتیک از حمایت‌های امنیتی و نظامی اردن بهره‌مند خواهند شد.

✓ عراق

با سقوط حکومت بعثی، شیعیان در مصادر قدرت قرار گرفتند. عربستان با حمایت از شورشیان سنی مذهب و تلاش برای بی‌ثباتی، ناخشنودی‌اش نسبت به آن را ابراز کرد (توکلی، ۱۳۹۲). اما از سال ۲۰۰۸ به تدریج در پی برقراری روابط جدی‌تر دولت‌های عربی با عراق برآمد (عبادی، ۱۳۹۴). راهبرد عربستان طی سال‌های اخیر به سوی تثبیت حاکمیت عراق و استمرار روابط مساعد با آنان جهت دورتر شدن این کشور از ایران حرکت کرده که با توجه به نیازهای امنیتی و اقتصادی عراق برای سازندگی پس از سقوط داعش مورد توجه دولت این کشور قرار دارد. با این حال رویکرد دیپلماتیک عراق حفظ توازن در روابط با ایران و عربستان است و با تشدید تنش‌های نظامی و امنیتی میان این دو که دامنه آن به عراق نیز کشانده خواهد شد، مخالفت خواهد کرد. احتمالاً دولت جدید عراق در پی وساطت در حوزه‌های مورد اختلاف مانند یمن نیز برآید. عدم حمایت عراق از حمله مستقیم یا نیابتی عربستان علیه ایران، حالت محتمل است.

✓ کویت

کویت پس از پیروزی انقلاب به شکل‌های مالی، لجستیکی، تبلیغاتی و دیپلماتیک به حمایت از تجاوز عراق پرداخت. این کشور پس از تجاوز عراق، در ۱۹۹۱ به آمریکا اجازه تأسیس پایگاه

نظامی در این کشور را داد (ولدانی، ۱۳۸۸). عدم تحدید مرزهای ایران و کویت نیز یکی دیگر از منابع تنش دو کشور بوده است (زین‌العابدین، ۱۳۸۹). هم‌چنین همراهی کویت با عربستان سعودی در اوپک باهدف کاهش قیمت نفت علیه ایران در جنگ تحمیلی و پرونده هسته‌ای خود را نشان داد (شفیعی، ۱۳۹۶). کویت به دنبال حمله به سفارت عربستان در تهران، سفیرش از تهران را فراخوانده و در سال ۱۳۹۶ نیز پس از ادعای کشف یک گروه جاسوسی و تروریستی وابسته به ایران و حزب‌الله لبنان، تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی را اخراج نمود (غیثاوی، ۱۳۹۶). موضع کویت در قبال ایران، با توجه به جمعیت قابل‌توجه شیعیان این کشور و روابط فعالان اقتصادی ایران با آنجا، معتدل‌تر از عربستان، امارات و بحرین بوده ولی در صورت وقوع نبرد نظامی، ضمن تلاش احتمالی برای میانجی‌گری، از جنبه مالی، ژئوپلیتیک و دیپلماتیک به حمایت از عربستان خواهد پرداخت. با این حال کویت نشان داده خواستار کاهش تنش‌های نظامی در منطقه است و به همین دلیل از بروز نبردهای نیابتی پشتیبانی نخواهد کرد.

✓ امارات متحده عربی

امارات در بین دولت‌های شورای همکاری خلیج‌فارس دارای بیشترین تراز تجارت خارجی با ایران است (کریم‌آبادی، ۱۳۹۳). پیروزی انقلاب و تشکیل شورای همکاری خلیج‌فارس بر شدت تیرگی روابط امارات با ایران که بر سر جزایر سه‌گانه آغاز شده بود، افزود ولی روابط اقتصادی به دلیل نیاز متقابل ایران و امارات تداوم یافت. ایران به امارات به‌مثابه یک گلوگاه اقتصادی برای واردات و دور زدن تحریم‌ها می‌نگریست و امارات نیز برای جبران هزینه‌های دفاعی و کمک‌های مالی به عراق نیازمند گسترش واردات به ایران بود (محمدی، ۱۳۹۶). با این حال تجاوز به یمن و پاسخ نیروهای مدافع یمنی بر سطح روابط امارات با ایران تأثیر منفی گذاشته است. در صورت تصمیم عربستان به حمله نظامی، امارات به دلیل موضع سیاسی در خصوص جزایر سه‌گانه و هم‌چنین روابط عمیق با عربستان، به حمایت سیاسی، دیپلماتیک و مالی خواهد پرداخت. ولی امنیت خلیج‌فارس به دلیل اهمیت سرمایه‌گذاری، تجارت کالا و بندرگاه‌هایش برای ابوظبی بسیار مهم خواهد بود و مشارکت امارات در حمله نظامی بعید به نظر می‌رسد. در صورت بروز نبرد نیابتی نیز نیروهای مورد حمایت امارات مانند جنگ سوریه و یمن ورود خواهند داشت.

✓ قطر

دعوت قطر از رئیس‌جمهور ایران برای حضور در نشست شورای همکاری خلیج‌فارس در ۲۰۰۷، موضع معتدل قطر نسبت به پرونده هسته‌ای و حمایتش از حماس و اخوان‌المسلمین از

اشتراک‌های دو کشور بوده است. ولی بروز بحران سوریه سبب اختلافاتی گردید (کیخا، ۱۳۹۳). قطر با وجود ارائه بزرگ‌ترین پایگاه نظامی به آمریکا در غرب آسیا، برای توسعه جایگاه منطقه‌ای‌اش سعی در حفظ روابط متوازن با ایران داشته و حمایت جمهوری اسلامی در جریان تحریم‌های دولت‌های عربی علیه قطر نیز این موضع را تقویت کرد. با این حال در صورت رخداد نبرد نظامی مستقیم با توجه به نیازمندی به بهبود روابط با شورای همکاری و رفع تحریم‌های کنونی از سوی عربستان و متحدانش، به‌صورتی نسبتاً ضعیف از موضع عربستان حمایت خواهد کرد. در صورت نبرد نیابتی نیز، با توجه به روابط مساعد با آمریکا و خروج ایالات متحده از برجام جهت فشار بر ایران، حامی موقعیتی است که تضعیف جمهوری اسلامی را در پی داشته باشد البته به شرطی که موجب تقویت عربستان نشود. پس با تشدید منازعه ایران و سعودی به‌خصوص در ابعاد نظامی همراهی نخواهد کرد و حامی مالی، سیاسی و رسانه‌ای قدرت‌های عربی علیه ایران خواهد بود.

✓ عمان

عمان در دوران جنگ تحمیلی سعی نمود نقشی بی‌طرفانه و میانجی‌گری ایفا کند و برخلاف دیگر کشورها به حمایت از عراق نپرداخت. عمان پس از امارات بیشترین سطح صادرات به ایران را در میان کشورهای عضو شورای همکاری داشته و وساطت عمان در پرونده هسته‌ای نیز بر سطح روابط افزود (تاریوردی، ۱۳۹۶). ادعای آمریکا مبنی بر کمک‌های تسلیحاتی ایران به نیروهای مدافع یمنی از خاک عمان نشان‌گر عمق روابط راهبردی ایران و عمان است. به همین دلیل عمان نه‌تنها با تشدید مقابله عربستان با ایران به سطح نظامی همراهی نخواهد کرد بلکه به طرق دیپلماتیک و رسانه‌ای درصدد حمایت از صلح در خواهد آمد.

✓ یمن

با اتحاد دو یمن در ۱۹۹۰ روابط رسمی ایران با این دولت آغاز شد و صدور فرهنگی مفاهیم انقلابی منجر به خودآگاهی، روحیه تشکیلاتی و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی شیعیان یمن شد (گلچین، ۱۳۹۴). شهادت حسین الحوثی رهبر شیعیان یمن توسط دولت صالح در ۲۰۰۴ سبب شکل‌گیری جنبش انصارالله شد و از آن زمان تا ۲۰۱۰ حدود شش نبرد نظامی میان آنان و دولت مرکزی رخ داد که درنهایت پس از موج جنبش‌های مصر و تونس به خلع صالح از ریاست انجامید و پس از استعفای منصور هادی ریاست جمهوری بعدی یمن، قدرت را در صناعا به دست گرفتند که به تجاوز عربستان و متحدان منطقه‌ای‌اش به‌ویژه امارات به این کشور منجر شد (اصفهان‌ی، ۱۳۹۴). اکنون بحران یمن به مهم‌ترین عرصه تقابلی ایران و عربستان در آسیای غربی

بدل شده است و نتیجه آن تأثیر مستقیمی بر راهبردهای دو کشور خواهد داشت. به نظر می‌رسد بدون تفوق عربستان در این حمله نظامی، احتمال ورود این دولت به نبردی دیگر بسیار اندک باشد. در حال حاضر جنبش انصارالله بر مناطق شمالی یمن و پایتخت حکومت دارد و مناطق جنوبی در اختیار نیروهای وابسته به عربستان و امارات است که بعضاً تنش‌هایی میان‌شان رخ داده است. تغییر در وضعیت نیروهای حاکم بر صنعا می‌تواند بر استراتژی عربستان در قبال ایران مؤثر باشد. به همین دلیل یک عدم قطعیت در این خصوص وجود دارد.

توان عملیاتی گروه‌های مسلح نزدیک به ایران در کشورهای همسایه عربستان نیروهای مسلح هم‌راستا با ایران در عراق و یمن حضور دارند. نیروهای حشدالشعبی در عراق، از جوانان مجرب نظامی و وفادار به مرجعیت شیعه تشکیل شد که در برابر تهاجم داعش ایستادگی نمود. توان عملیاتی این گروه به سبب نیروی انسانی ناشی از فتوای مرجعیت و حمایت لجستیکی ایران، بالاست. این نیروها در ۲۰۱۶ تحت قانون مصوب پارلمان عراق، تحت نظارت دولت قرار گرفت و نخست‌وزیر حیدرالعبادی در ۲۰۱۸ دستور ادغام آن در ارتش را صادر نمود. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت در صورت حمله عربستان به ایران، لزوماً به میدان بیایند. ولی ظرفیت بالقوه آنان در عراق سبب نگرانی دولت سعودی است. توان عملیاتی انصارالله نیز با وجود نیروی انسانی و توانمندی تسلیحاتی ارتش یمن و بهره‌مندی از موشک‌های میان‌برد و پهپاد، قابل توجه است. برتری انصارالله بر تنگه باب‌المندب هم می‌تواند امنیت انتقال انرژی عربستان و متحدینش را خدشه‌دار سازد.

روابط ایران با روسیه و چین

۷ روسیه

همکاری در حوزه انرژی هسته‌ای، روابط تسلیحاتی و همکاری در بحران سوریه از محورهای مهم روابط ایران و روسیه طی سال‌های اخیر بوده است. اگرچه این روابط رو به تحکیم است اما در عین حال تأخیر روسیه در تأسیس و بهره‌برداری نیروگاه بوشهر و عدم توی قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت در پرونده هسته‌ای نشان می‌دهد راهبرد نمایش مسئولیت‌پذیری بین‌المللی جایگاه مهمی در سیاست خارجی روسیه دارد (نوروزی، ۱۳۹۳). روسیه در صورت تشدید تقابل ایران و عربستان به سطوح نظامی، اقدام میانجی‌گرایانه خواهد داشت. زیرا افزایش تنش روسیه با عربستان می‌تواند به تقویت گروه‌های تکفیری در مناطق مسلمان‌نشین روسیه بیانجامد. هرچند افزایش قیمت نفت و جایگزینی صادرات انرژی به اتحادیه اروپا در شرایط کاهش

امنیت خلیج فارس و فروش تسلیحات به طرفین نبرد از مزایای اقتصادی نبرد نظامی ایران و عربستان است. بنابراین احتمال برتر، صبر و انتظار روسیه در صورت وقوع نبرد نظامی جهت حصول برخی دستاوردها و سپس تلاش دیپلماتیک در راستای پایان نبرد بدون پیروز خواهد بود. ولی در صورت بروز نبرد نیابتی، تلاش خاصی از سوی روسیه صورت نمی‌گیرد.

✓ چین

چین اصلی‌ترین شریک اقتصادی ایران است. خریدهای تسلیحاتی ایران از چین نیز قابل توجه می‌باشد. مقابله با هژمونی آمریکا در غرب آسیا و امنیت افغانستان از علایق مشترک دو کشور است. از سوی دیگر اما چین و عربستان نیز درصدد توسعه روابط با یکدیگر هستند. ریاض نیز درصدد توسعه روابط اقتصادی و نظامی با پکن برآمده است. چین نیز خود را نیازمند به روابط مستحکم با ایران و عربستان می‌داند چراکه مهم‌ترین مساله برای پکن، انرژی و امنیت آن است. بنابراین چین نیز در منازعه نظامی ایران و عربستان بی‌طرف مانده ولی با توجه به اهمیت امنیت خلیج فارس در انتقال انرژی مورد نیازش، احتمالاً با پیشنهاد قطعنامه‌ای در شورای امنیت خواهش کاهش تنش و مصالحه خواهد شد. رویکرد اصلی چین حفظ توازن و بی‌طرفی فعال جهت کاهش منازعه در این رابطه خواهد بود و با توجه به رقابتش با آمریکا در منطقه جهت گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی، نقش میانجی را ایفا می‌کند.

شناسایی عدم قطعیت‌ها

با توجه به بررسی‌های فوق، دو پیشران عوامل کلیدی یعنی وضعیت نبرد یمن و تحریم‌های ارزی و نفتی علیه ایران دارای بیشترین عدم قطعیت هستند.

جدول (۸) کلان‌روندهای دارای بیشترین عدم قطعیت

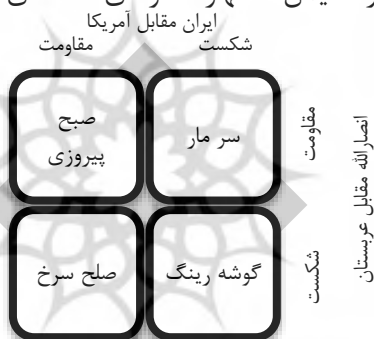
شکست انصارالله و استقرار نیروهای عربستان در یمن	وضعیت جنگ یمن
مقاومت انصارالله یا عقب‌نشینی عربستان از تجاوز	
همراهی اعضای شورای امنیت با تحریم‌های آمریکا	تحریم‌ها آمریکا علیه ایران
عدم همراهی اعضای شورای امنیت با تحریم‌های آمریکا	

منطق سناریوها

با محاسبه وضعیت کلان‌روندهای فوق به‌ویژه قیاس توانمندی نظامی دو کشور و روابط خارجی عربستان و ایران، احتمال حمله مستقیم عربستان به ایران منتفی است. زیرا در فرصت مانده از ریاست جمهوری ترامپ، آغاز یک نبرد خارجی که بدون شک حمایت ایالات‌متحده ممکن

نیست، بر وضعیت داخلی آمریکا و احتمال پیروزی ترامپ در انتخابات بعدی تأثیر منفی جدی می‌گذارد و از سوی دیگر، تقابل نظامی مستقیم ایران و عربستان، نیروها و پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه اعم از خلیج فارس، افغانستان، عراق و سوریه را در معرض تهدید نیروهای نزدیک به بلوک مقاومت قرار می‌دهد. بنابراین از میان سه حوزه موضوعی پژوهش، دو مسأله شامل نبرد نیابتی یا ایجاد درگیری مسلحانه داخلی باقی می‌ماند. با توجه به عدم قطعیت‌های زیر نسبت به روند کنونی تا پایان ریاست جمهوری دوره اول ترامپ، حالات متفاوتی رخ می‌دهد؛ چهار حالت اصلی منطبق با منطق شکل‌گیری سناریوها به شرح زیر است:

حالت اول: شکست انصارالله یمن - افزایش فشارهای اقتصادی بر ایران
 حالت دوم: شکست انصارالله یمن - مهار فشارهای اقتصادی بر ایران
 حالت سوم: مقاومت انصارالله یمن - افزایش فشارهای اقتصادی بر ایران
 حالت چهارم: مقاومت انصارالله یمن - مهار فشارهای اقتصادی بر ایران



شکل (۱) ماتریس سناریوها

داستان‌واره‌ها

سناریوی اول: گوشه رینگ

حمله نیروهای یمنی به ناوهای عربستان در باب‌المنندب موجب واکنش نظامی ناتو در همراهی با عربستان شده بود. در نتیجه با حمله مشترک به یمن، سرانجام نیروهای انصارالله شکست خورده‌اند. دولت مطلوب عربستان با همراهی امارات در یمن مستقر شده و از سوی دیگر فشار تحریم‌های بانکی و نفتی، موجب کاهش درآمد‌های ارزی ایران، افزایش رکود تورمی و در نتیجه نارضایتی‌های شدید داخلی گشته است. فراخوان‌های شبکه‌های تلویزیونی معاند و فعالان اپوزوسیون در شبکه‌های اجتماعی نیز زمینه‌های حضور خیابانی بخش‌هایی از معترضان را فراهم نموده است. نیروهای مجاهدین خلق بانفوذ در این اعتراض‌ها و کشته‌سازی از غیرنظامیان و نیروهای امنیتی،

انتظامی یا نظامی، آن‌ها را به سوی درگیری مسلحانه سوق داده‌اند. در همین زمان گروهک‌های قومی و مذهبی در مرزهای شمال غربی و جنوب شرقی علاوه بر حمله‌های متعدد به مرزبانان، درون شهرهای مهم مانند زاهدان، ایران‌شهر، سنندج و پیرانشهر نیز به ترورهای کور روی آورده و با سوءاستفاده از وضعیت معیشتی نامساعد، بخشی از جوانان ناراضی گرد و بلوچ سنی را مسلح نموده‌اند. در این شرایط عربستان با توجه به تشدید فشارهای داخلی ایران، هزینه یک نبرد نیابتی را بر خود تحمیل نکرده و تقویت معارضین درون مرزهای ایران را اقدام مطلوب‌تری قلمداد می‌کند تا با تشدید اعتراض‌ها، فشار بر حاکمیت جمهوری اسلامی جهت عقب‌نشینی از مواضع منطقه‌ای به‌خصوص خروج نیروهای سپاه پاسداران از سوریه را افزایش داده و ایران را از روند تشکیل دولت جدید در این کشور، بیرون نگاه دارد.

سناریوی دوم: صلح سرخ

با شکست انصارالله، از یک‌سو تفوق دولت سعودی بر یمن، به‌مثابه یک پیروزی نظامی و سیاسی، آن را از هزینه بیشتر مبنی بر تقابل نظامی با ایران منصرف کرده و به‌خصوص برای نمایش حسن نیت و صلح‌طلبی در عرصه بین‌المللی، نبرد تازه‌ای در منطقه آسیای غربی رقم نمی‌زند و از روند سیاسی تشکیل دولت در سوریه نیز حمایت می‌کند. به همین دلیل، در شرایطی که ایران نیز به جهت کسب حمایت مالی اروپا در تداوم برجام، به تدریج از میزان حضور نظامیان در سوریه کاسته، عربستان به‌واسطه فرانسه و بریتانیا، به حضور ایران در مذاکره سیاسی تشکیل دولت در سوریه راضی می‌شود. در نتیجه ایران نیز با توجه به تلاش‌های میانجیگری از سوی دولت‌های منطقه مانند ترکیه، قطر و عمان به روند صلح در یمن می‌پیوندد. از سوی دیگر، عملیاتی شدن کانال مالی با اروپا منتج به موفقیت ایران در مهار فشارهای اقتصادی آمریکا و حفظ رضایت نسبی در داخل، در کنار اقتدار نیروهای امنیتی در مرزها، امکان بهره‌برداری دشمنانش از اعتراض‌های معیشتی برای ایجاد ناامنی را سلب کرده و گروهک‌های تروریستی قومیت‌گرا یا مذهبی نیز فرصت جذب نیرو از مخالفان و اقلیت ناراضی را از دست می‌دهند.

سناریوی سوم: سر مار

مقاومت نیروهای انصارالله در یمن تداوم‌یافته است. درعین حال به دلیل همراهی اتحادیه اروپا و چین با تحریم‌های آمریکایی، خرید نفت ایران به شدت کاهش یافته و امکان انتقال ارز حاصل از فروش نفت به کشور نیز موجب افزایش تورم شدید شده است. در این شرایط عراق نیز به سمت همراهی با غرب گرایش یافته و روابطش با عربستان را گسترش داده که این امر اختلاف نظر میان

دولت و سپاه در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای را تشدید نموده است. اعتراض‌های معیشتی با هدایت عناصر اپوزوسیون در داخل، به هدف فشار خیابانی بر حاکمیت برای عقب‌نشینی از عمق راهبردی ایران در سوریه و قطع حمایت از انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان جهت‌دهی شده است. از سوی دیگر برای برهم زدن تمرکز اراده سیاسی تصمیم‌گیران در نظام، داعش در افغانستان تقویت و مناطقی از شمال این کشور به‌خصوص نزدیک به ایران را تصرف کرده است. جنایاتی علیه قوم هزاره و شیعیان افغان رخ می‌دهد که موجب مواضع شدید مراجع مبنی بر لزوم واکنش جدی به آن از سوی جمهوری اسلامی می‌گردد. ایران از یک‌سو به دلیل هزینه‌های بالای حضور نظامی در منطقه و شکاف‌های داخلی، امکان حضور در یک نبرد نیابتی جدید را ندارد و از سوی دیگر مجبور است برای حفظ امنیت مرزهای شرقی، در این خصوص اقدام نماید. در نهایت حضور نیروهای سپاه پاسداران برای کمک به دولت افغانستان، تنش‌های داخلی را تشدید کرده و بر موج اردوکنشی‌های خیابانی می‌افزاید. حضور عناصر گروهک مجاهدین خلق و دیگر نیروهای میدانی اپوزوسیون تروریست، موجب ایجاد کشتار و خون‌ریزی در این تجمع‌ها و کلید زدن شورش‌های مسلحانه در مناطقی از کشور شده است. برخی شهرهای مرزی نیز شاهد درگیری شدید میان اعضای گروهک‌های قومی و مذهبی و حتی تصرف برخی اماکن نظامی و امنیتی، گروگان‌گیری و شهادت تعداد زیادی از نیروهای انتظامی، سپاه، بسیج و ارتش شده است.

سناریوی چهارم: صبح پیروزی

مقاومت انصارالله در یمن با قدرت ادامه می‌یابد. حمله‌های متعدد موشکی به امارات و افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در این کشور، سبب جدایی این دولت از ائتلاف نظامی شد. عربستان سعودی نیز از برخی مواضع ژئوپلیتیک خود در یمن عقب‌نشینی کرده است. اتحادیه اروپا با تأکید بر فجایع انسانی این محاصره، بر راه‌حل سیاسی تأکید می‌کند و قطر و عمان اعلام می‌کنند حاضرند میان طرفین وساطت کنند. مذاکره سیاسی باهدف پایان دادن به نبرد آغاز شده و توانمندی ایران در مهار فشارهای اقتصادی به‌واسطه برقراری کانال مالی با اتحادیه اروپا و تداوم فروش نفت به چین و هند نیز موقعیت بین‌المللی آن را در جامعه جهانی حفظ می‌کند.

بررسی احتمال و مطلوبیت سناریوها

در این مرحله با بهره‌گیری از نظرهای خبرگان، مطلوبیت سناریوها برای جمهوری اسلامی و مرتبه احتمال تحقق آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۹) مطلوبیت و احتمال سناریوها

به ترتیب مطلوبیت	به ترتیب احتمال
صبح پیروزی	سر مار
صلح سرخ	صبح پیروزی
سر مار	گوشه رینگ
گوشه رینگ	صلح سرخ

شاخص‌های سناریوها

شاخص‌های سناریوی گوشه رینگ

- تقویت ائتلاف امارات و عربستان علیه یمن با برگزاری نشست‌های سیاسی و تقویت همکاری نظامی در جنوب غربی یمن؛
- تعلل اتحادیه اروپا در عرضه بسته ارزی و تضمین خرید نفت ایران؛
- کاهش خرید نفت ایران از سوی هند و چین؛
- تشدید حمله رژیم صهیونیستی به مواضع نیروهای ایران در سوریه و سکوت روسیه؛
- افزایش نرخ ارز و سکه؛
- گسترش فراخوان‌های ضدانقلاب مبنی بر تظاهرات و اعتصابات.

شاخص‌های سناریوی صلح سرخ

- ایجاد کانال بانکی از سوی اروپا و تداوم فروش نفت ایران به خریداران عمده اروپا در کنار هند و چین؛
- تأمین نیازمندی‌های اساسی جامعه به‌ویژه دارو و اغذیه با ارز دولتی؛
- فقدان کارآمدی دولت حوثی در یمن و تشدید نارضایتی عمومی در مناطق شهری به‌خصوص صنعا؛
- تشدید اختلاف درونی میان نیروهای مقاومت در یمن از جمله ارتش و انصارالله؛
- عرضه بسته سیاسی ائتلاف متجاوز عربستان مبنی بر عقب‌نشینی به‌شرط سقوط دولت انصارالله؛
- توقف حمایت‌های مالی و لجستیکی ایران از یمن با توجه به تصویب قانون مبارزه با تروریسم.

شاخص‌های سناریوی سر مار

- انعقاد قراردادهای اقتصادی به‌ویژه عمرانی میان عربستان و عراق؛

- کاهش خرید نفت ایران از سوی هند، چین و اتحادیه اروپا؛
- مواضع علنی تقابلی میان رئیس‌جمهور و فرماندهان سپاه پاسداران؛
- تشدید عملیات‌های تروریستی در مناطق شمالی افغانستان از سوی داعش؛
- افزایش تظاهرات و اردوکشی‌های خیابانی مخالفان نظام؛
- افزایش حمله‌های تروریستی مرزی به خصوص در شمال غرب و جنوب شرق.

شاخص‌های سناریوی صبح پیروزی

- برگزاری نشست سیاسی میان مسئولان دستگاه‌های دیپلماسی ایران، قطر، کویت و عمان برای گشایش در یمن؛
- سفر وزیر امور خارجه به اتحادیه اروپا و مذاکره جهت راهبرد سیاسی در یمن؛
- وساطت روسیه برای راضی شدن عربستان به کاهش حملات و آمادگی مذاکره سیاسی؛
- ارائه بسته‌های ارزی ایران در راستای کنترل نرخ ارز و تورم؛
- تداوم فروش نفت ایران به چین و اتحادیه اروپا.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

معادلات منطقه‌ای از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ به گونه‌ای رقم خورد که نظم مستقر در این منطقه راهبردی، دست‌خوش تغییر جدی شد. نتیجه چنین تغییری چندان مورد رضایت عربستان سعودی نبوده و به همین دلیل، ریاض در این سال‌ها کوشیده است تا با بازیابی موازنه قوا، دست برتر را در موقعیت منطقه‌ای دارا باشد. از سوی دیگر، رخداد‌های درونی خاندان آل‌سعود که موجب قدرت‌یابی محمد بن سلمان شد به همراه پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده آمریکا، زمینه‌های تشدید رفتار تهاجمی عربستان در قبال ایران را فراهم ساخت. بر این مبنای، عربستان نبردهای دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی را برای تضعیف ایران در منطقه در دستور کار قرار داده است که هر یک با شواهد متقنی قابل بررسی است. با این وجود، بررسی ادبیات برخی سران عربستان به همراه برخی روندهای موجود در منطقه، بیان‌گر آن است که گزینه مواجهه نظامی با ایران از سوی ریاض، امری قابل تأمل تر شده است. این‌که بن سلمان به‌صراحت می‌گوید در پی کشاندن جنگ به داخل ایران است و یا از امکان جنگ میان دو کشور در سال‌های آتی سخن می‌گوید، حتی اگر صرف اعلانی و نمایشی نیز باشد، گواه تغییراتی در

سطوح راهبردی، عملیاتی و حتی تاکتیکی عربستان با ایران دارد و به همین دلیل باید مورد تدقیق و بررسی جدی قرار گیرد.

این مقاله بر این اساس، کوشید تا سناریوهای محتمل ذیل مواجهه نظامی عربستان با ایران را مورد بررسی قرار دهد. نگارندگان با روش استفاده از نظر خبرگان و منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر رویکرد سناریو نگاری به روش GBN، ضمن احصاء عوامل و پیشران‌های مؤثر بر رویکرد نظامی عربستان در قبال ایران، اهمیت و قطعیت آن‌ها را بررسی کرده و درنهایت دو پیشران از عوامل کلیدی، یعنی جنگ یمن و فشارهای ارزی و نفتی بر ایران را به‌عنوان دو عدم قطعیت کلیدی شناسایی نمودند. مبتنی بر حالت‌های این دو عدم قطعیت، چهار سناریو طرح شد. سپس با بهره‌مندی از نظرات خبرگان، مطلوبیت‌ها و احتمال هر یک از این چهار سناریو مورد ارزیابی قرار گرفت. جمع‌بندی بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۱ و آغاز دوره بعدی ریاست جمهوری آمریکا، احتمال مقاومت انصارالله در جنگ یمن بیشتر از شکست آن بوده اما مهار فشارهای اقتصادی بر ایران، امری است که احتمال آن کم‌تر می‌رود. لذا به نظر می‌رسد اگر عربستان در پی انتخاب رویکرد نظامی در قبال ایران باشد، به همان میزان که درنبرد یمن، با محدودیت‌ها و شکست‌هایی روبرو است، در ایران با وضعیتی روبرو است که فشارهای اقتصادی همچنان ادامه دارد. در چنین وضعیتی، عربستان تحت فشارهای رسانه‌ای بین‌المللی که پس از قتل خاشقچی در کنسول‌گری عربستان در ترکیه شدیدتر نیز شد، طبعاً پرونده نبرد نظامی مستقیم علیه ایران را بازخواهد کرد. به‌ویژه که از منظر هزینه‌فایده نیز، وقتی امکان تقویت گروهک‌های تروریستی قوم‌گرا یا مذهبی و افزایش ناامنی درون ایران وجود دارد، تحمیل هزینه‌های حمله نظامی مستقیم، عقلایی نیست. هرچند در صورتی که این راهبرد، نتیجه مطلوب مبتنی بر عقب‌نشینی ایران از مواضع منطقه‌ای‌اش را به همراه نداشته باشد و احیاناً ایران نیز به سبب عدم سودمندی حضورش برجام، از آن خارج گردد؛ می‌بایست احتمال حمله نظامی مستقیم عربستان با حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی را در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ مدنظر قرارداد. از سوی دیگر در شرایط فعلی، احتمال اینکه عربستان در پی رهایی از بحران یمن باشد به‌گونه‌ای که انصارالله را نه در فاز نظامی بلکه در میز سیاسی مهار کند، می‌تواند تمرکز بیشتری بر معادلات داخلی ایران و اثرات سوء فشارهای اقتصادی بر مردم داشته باشد تا بدین ترتیب از یک‌سو در نزدیکی مرزهای ایران با افغانستان، گروهک‌های تروریستی و تکفیری را تقویت نموده و زمینه‌ساز یک نبرد نیابتی علیه دولت جمهوری اسلامی را فراهم کند و از سوی دیگر با

سوءاستفاده از بحران‌های معیشتی، در پی تشدید اعتراض‌های داخلی تا سطح تسلیح مخالفان نظام و بروز بحران‌های امنیتی در اعتراض‌های خیابانی برآید.

منابع

- آرم، آرمینا. (۱۳۹۵). ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره نهم.
- اکرمیان، سید محمدحسین. (۱۳۹۴). تبیین شاخص‌های گفتمانی گروهک تروریستی جیش‌العدل، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۱.
- بسطامی، رضا. (۱۳۸۴). صاحبان خودخوانده کردستان، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، شماره ۳۶.
- بهروزی‌لک، غلامرضا. (۱۳۹۶). سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۲.
- پورموسوی، سید موسی. (۱۳۸۹). فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۹.
- تاریخ‌پوری، حسن. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در گسترش روابط ایران و عمان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۰.
- توکلی، یعقوب. (۱۳۹۲). روابط ایران و عراق پس از صدام، فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۵.
- جعفری‌ولدانی، اصغر. (۱۳۸۸). جایگاه خلیج‌فارس در روابط ایران و کویت، دوفصلنامه پژوهش سیاست، شماره ۲۷.
- چرماک، توماس. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، ترجمه سعید خزایی، تهران: نشر علم‌آفرین.
- حسینی، مختار. (۱۳۸۱). روابط خارجی ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در طول جنگ تحمیلی، فصلنامه نگین ایران، شماره ۲.
- حقیقی، علی‌محمد. (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی روابط میان کشورهای ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری، دوره ۲، شماره ۴.
- حیدری، وحید. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین عوامل و پیشران‌های مؤثر بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج‌فارس در افق ده‌ساله، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، شماره ۲.
- خادم، فاضله. (۱۳۸۸). بازتاب بازی عربستان و ایالات‌متحده بر امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۸.

- دهشیار، حسین. (۱۳۸۶). ستون‌های دوگانه بی‌ثباتی در پاکستان، ماهنامه اطلاعات سیاسی، شماره ۲۴۰.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره اول.
- رستمی، محسن. (۱۳۹۵). سناریوهای محتمل در آینده‌پژوهی روابط خارجی ایران و عربستان مبتنی بر تحولات منطقه عربی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۷.
- رفیع، حسین. (۱۳۹۴). تاثیر نفوذ وهابیت در پاکستان بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۲.
- رومینا، ابراهیم. (۱۳۸۴). تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
- زین‌العابدین، یوسف. (۱۳۸۹). عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۲.
- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۷۷). طالبان، ایران و پاکستان، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- سمیعی‌اصفهانی، علیرضا. (۱۳۹۴). ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در بحران یمن، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۲.
- شفیع، صادق. (۱۳۹۶). واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳۳.
- شوارتز، پیتر. (۱۳۸۸). هنر دورنگری، ترجمه عزیز علیزاده، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- عبادی، عبدالواحد. (۱۳۹۴). بازتاب نظم سیاسی جدید عراق بر روابط ایران و عربستان، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۳.
- علی‌پور، عباس. (۱۳۸۹). ضرورت‌های بسط ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه عربی با تأکید بر تحولات اخیر، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۹.
- کریم‌آبادی، مظاهر. (۱۳۹۳). بررسی روابط سیاسی ایران و امارات متحده عربی، مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
- کیخا، معصومه. (۱۳۹۳). بررسی روابط ایران و قطر، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۸.
- گر، تد رابرت. (۱۳۷۷). چرا انسانها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

- محمدی، ضیا. (۱۳۹۶). نقش روابط اقتصادی در میزان تعهد سیاسی امارات متحده عربی، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳۵.
- مراد، علی. (۱۳۹۶). روزنامه‌الاجبار.
- مفیدی‌احمدی، حسین. (۱۳۹۴). تاثیر تنش در روابط با عربستان بر روابط ایران و ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- نظری، علی‌اشرف. (۱۳۹۵). ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۹.
- نورعلی‌وند، یاسر. (۱۳۹۶). عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۵.
- نوروزی، نورمحمد. (۱۳۹۳). چشم‌انداز روسی به روابط ایران و روسیه، پژوهش‌نامه سیاست بین‌الملل، سال ۳، شماره ۱.
- هادیان، حمید. (۱۳۸۵). کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹.
- الوقت. (۱۳۹۷). تحریم ایران، ژئوپلیتیک نفت و بازی خطرناک آل سعود، قابل دسترسی در: <https://www.alwaght.com/fa/News/135266>.
- ای‌بی‌سی‌نیوز. (۲۰ می ۲۰۱۷). Trump signs \$110 billion arms deal with Saudi Arabia on a tremendous day قابل دسترسی در: <https://abcnews.go.com/Politics/trump-signs-110-billion-arms-deal-saudi-arabia/story?id=47531180>.
- حرمی، فاضل. (۱۳۹۷). احزاب کرد به دنبال حمایت آمریکا برای عملیات در ایران، خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <https://www.al-monitor.com/pulse/fa/contents/articles/originals/iran-kurdish-rebels-kdpi-komala-hijri-washington-trump.html>.
- سی‌ان‌ان بالعربیة. (۹ جولای ۲۰۱۶). ترکی الفیصل فی مؤتمر المعارضة الإيرانية: أريد إسقاط النظام.. ومريم رجوی: لتسقط ولاية الفقيه، قابل دسترسی در: <https://arabic.cnn.com/world/saudi-prince-turki-alfaisal-free-iran>.
- صالحی‌خواه، محسن. (۱۳۹۵). ارتش کاغذی کینگ سلمان، پایگاه تحلیلی الوقت، قابل دسترسی در آدرس: <http://alwaght.com/fa/News/78919>.
- غبیشاوی، رضا. (۱۳۹۶). نکاتی درباره رابطه ایران و کویت، تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/550228>.
- کیانی، نادر. (۱۳۹۶). احتمال کودتا در اردوگاه کوماه، مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.rajanews.com/news/>.
- مشرق‌نیوز، راز تشدید مواضع خصمانه اردن علیه ایران، فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir/news/>

- Al-Rasheed, M. (2015). *Saudi Arabia's Foreign Policy: A New Paradigm*, In *The New Politics of Intervention of Gulf Arab States*, LSE Middle East Center.
- Friedman, T. (2013). *Let's Make a Deal*, New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2013/11/20/opinion/friedman-lets-make-a-deal.html>.
- Global Fire Power (2018). 2018 Military Strength Ranking, Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.asp>.
- Pasha, A. K. (2016). Saudi Arabia and the Iranian Nuclear Deal, *Journal of Contemporary Review of the Middle East*, 3 (4).

